

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درباره دجال زیاد شنیده‌ام. می‌خواهم بدانم چگونه موجودی است و هدفش چیست؟

دجال از ریشه «دجل» به معنای دروغ‌گو و حيله گر است. از ظاهر روایات استفاده می‌شود که دجال فردی است که در آخرالزمان و پیش از قیام مهدی(ع) خروج می‌کند. ویژگی‌های جسمانی: یک چشم دارد؛ از ظاهری غیر عادی برخوردار است؛ مادرش یهودی است؛ با انجام کارهای شگفت‌انگیز جمع زیادی از مردم را فریب می‌دهد تا به اهداف شیطانی خویش نایل گردد؛ در یک دوره چهل روزه یا چهل ساله دنیا را پر از ظلم و جور می‌کند و سرانجام به دست حضرت عیسی‌ای مسیح در دوره ظهور حضرت مهدی(ع) کشته می‌شود. (1)

آیا دجال نام یک شخص است یا یک جریان انحرافی؟

در این مورد چند احتمال داده‌اند.

1 - ممکن است دجال نام فرد خاصی نباشد، بلکه هر کسی است که با ادعاهای پوچ و بی‌اساس و با توسل به حيله‌ها و نیرنگ‌ها درصدد فریب مردم برآید. در روایات آمده است که قبل از ظهور حضرت مهدی(ع) کذاب‌ها و دجال‌های متعددی خروج خواهند کرد. (2)

2 - شاید دجال نام فرد معینی باشد؛ یعنی یک فرد با عنوان و نام «دجال» در دوره غیبت با همان ویژگی‌هایی که برای او بیان شده، خروج کند و مردم را به انحراف بکشاند.

3 - ممکن است مراد از دجال «سفیانی» باشد؛ یعنی فردی با ویژگی‌های ابوسفیان، یا از نسل ابوسفیان قیام کند و جهان را به آشوب و فساد بکشاند. از این فرد در کتاب‌های اهل سنت بیش‌تر به عنوان دجال و در کتاب‌های شیعی به عنوان سفیانی یاد شده است.

4 - شاید دجال کنایه از فرهنگ غلط و منحرف‌کننده و کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان باشد.

پی‌نوشت‌ها:

1 - چشم به راه مهدی، بحث نشانه‌های ظهور؛ دائرةالمعارف، مصاحب، ج 1، ص 921.

2 - بحارالأنوار، ج 52، ص 209؛ کنزالعمال، ح 14، ص 200؛ ارشاد مفید، ح 2، ص 371.

فلسفه غیبت امام زمان را توضیح دهید؟

واقعیت آن است که به گونه ای معین نمی توان علت یا علل خاصی را برای غیبت امام زمان(ع) بیان کرد. شاید بر همین اساس باشد که در متون دینی علت غیبت، از مسایلی دانسته شده است که تنها خداوند حکمت و اسرار آن را می داند.(1) در روایات به برخی از علل غیبت اشاره شده است:

1_ آزمایش مردم: یکی از سنت های مهم الهی آزمایش بندگان و انتخاب صالحان و گزینش پاکان است. غیبت مهدی(ع) عامل مهم آزمایش است؛ زیرا گروهی ایمان استواری ندارند و نسبت به امام بدبین شده و چنین می پندارند که اگر امام زمانی وجود دارد پس چرا ظهور نمی کند و غیب او طولانی است؟ از امام علی(ع) نقل شده است که حضرت دلیل غیبت را غربال انسان های صالح از گمراه و دانا از نادان می داند(2) و امام ششم فرمود: «و هر جوینده باطلی در آن به شک می افتد...».(3)

2_ حفظ جان امام زمان(ع): امامان معصوم(ع) حجت های خداوند بر زمین بوده و اگر وجود مقدس آن ها نباشد نظام هستی به هم خورده و آنان واسطه فیض الهی اند. مردم در هر زمانی از وجود مقدس امام زمان(ع) بهره مند می گردند. گرچه به ظاهر امام زمان را نمی بینند و یا نمی شناسند. متأسفانه برخی از انسان های دنیا گرا و ریاست طلب که حضور امام را با منافع خویش در تضاد می بینند در صدد بر می آیند که امام را به قتل برسانند؛ همان گونه که ائمه دیگر را به شهادت رساندند. شهادت امام علی(ع) و امام حسن(ع) و امام حسین(ع) که فاجعه ای برای جهان اسلام بود، در راستای سیاست خصمانه عدالت ستیزان به وجود آمد.

خداوند به وسیله غیبت، امام زمان را از قتل حفظ کرده است، زیرا اگر حضرت از آغاز زندگی میان مردم ظاهر می شد، او را می کشتند. یکی از یاران امام صادق(ع) روایت

می کند که حضرت فرمود: «امام منتظر، پیش از قیام خویش مدتی از چشم ها غایب خواهد شد». عرض کردم: چرا؟ فرمود: «بر جان خویش بیمناک خواهد بود». (4)

3_ آزادی از بیعت: امام زمان(ع) هیچ رژیم را حتی از روی تقیّه، به رسمیت نشناخته و نمی شناسد و حاکمان ستمگر را غاصب دانسته و حکومت آنان را غیر مشروع می داند. از این رو بیعت با آنان را جایز ندانسته و تحت سلطه حکومت هیچ ستمگری قرار نمی گیرد. (5) اگر امام زمان(ع) غایب نبود باید با طاغوت و طاغوتیان مبارزه نموده، به شهادت می رسید؛ از این رو وجود ظاهری امام موجب می شد که یا حضرت با رژیم های ستمگر بیعت کند - که قطعاً بیعت نمی کرد - و یا در راه مبارزه با حکومت های غاصب به شهادت رسیده و زمین خدا خالی از حجّت می ماند. حسن بن فضال می گوید: امام هشتم فرمود: «گویی شیعیانم را می بینم که هنگام مرگ سوّمین فرزند [امام حسن عسکری] در جستجوی امام خود، همه جا را می گردند اما او را نمی یابند». عرض کردم: چرا غایب می شود؟ فرمود: «برای این که وقتی با شمشیر قیام می کند بیعت کسی در گردن وی نباشد». (6)

پی نوشت ها:

1. لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص 330 - 331.
2. کمال الدین، ج 2، ص 158.
3. همان، ص 203.
4. اصول کافی، ج 1، ص 337؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص 202.
5. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص 672.
6. بحارالانوار، ج 51، ص 152.

منظور از مثلث برمودا چیست؟ می گویند این مثلث در اقیانوس اطلس قرار دارد و هیچ کس مگر افرادی خاص اجازه ورود به این محدوده را ندارند و این جزیره محل زندگی امام زمان و فرزندانش است. آیا این سخن درست است؟

مثلت برمودا منطقه‌ای است در شرق آمریکای مرکزی در اقیانوس اطلس شمالی که چندین کشور مانند کوبا، هاوایی و ده‌ها جزیره دیگر در آن قرار دارند. این منطقه دارای آثار و جاذبه‌های متعددی است. از ویژگی‌های این منطقه طوفان خیز بودن آن است. هر ساله در اثر طوفان خساراتی به کشورهای این منطقه وارد می‌شود. روزنامه‌ها و مجلات آمریکایی در قرن بیستم، دهه 50 - 60 میلادی برای انحراف افکار مردم آمریکا و پنهان کاری عملیات نظامی خود علیه کوبا ده‌ها افسانه و داستان را درباره این مثلث ساخته و اسرارآمیز بودن منطقه را مطرح کردند. چون در همان زمان آمریکا با تقویت ضد انقلابیون کوبا سعی در سرنگونی دولت کوبا داشت و این داستان‌ها پوشش خوبی برای عملیات انهدام کشتی‌ها و ضربه زدن به انقلابیون بود؛(1) بنابراین بسیاری از داستان‌ها که ساخته‌اند، جعلی است.

برخی ادعا کرده‌اند که مثلث برمودا، جزیره خضرا است که امام زمان(ع) در آن زندگی می‌کند.(2) این ادعا مبنی بر گزارش‌های علی بن فاضل مازندرانی است. وی مدعی شده که به جزیره خضرا رفته و آن را محل زندگی امام زمان(ع) یافته است. برخی دیگر مانند ناجی نجار گفته که مثلث برمودا جزیره خضرا است که علی بن فاضل مازندرانی حدود هفتصد سال پیش به آن جا سفر کرده است. صحت این ادعا مبتنی بر دو پیش فرض است که هر دو منتفی است:

یک: جزیره خضرا واقعیت داشته باشد و امام زمان(ع) در آن زندگی کند. اکثر اندیشمندان وجود جزیره خضرا را انکار نموده و آن را افسانه خوانده‌اند.(3) علامه جعفر مرتضی می‌نویسد: داستان جزیره خضرا نه از نظر سند درست است و نه از نظر متن و به هیچ وجه مجالی برای قبول یا اعتماد و اطمینان بدان وجود ندارد.(4) دو: امام زمان(عج) مکان معین داشته باشد که در آن جا زندگی کند، حال آن که - بر اساس روایات - امام زمان مکان معین ندارد، اگر چه در برخی روایات آمده است که حضرت در مدینه و اطراف آن زندگی می‌کند.(5) در بعضی روایات دیگر به حضور حضرت در مکه و اطراف آن اشاره شده است.(6) اما دسته دیگری از روایات دلالت دارند که امام زمان(عج) به گونه ناشناس با مردم حشر و نشر داشته و مکان معینی ندارد و مردم او را نمی‌شناسند.(7)

از مجموع این روایت استفاده می‌شود که حضرت مکان معین ندارد. بر این اساس باید گفت این ادعا که امام زمان(عج) در مثلث برمودا زندگی می‌کند، قابل قبول نیست.

رفت و آمد در جزیره برمودا برای دیگران امکان‌پذیر است و اختصاص به گروه و افراد خاصی ندارد.

پی نوشت ها:

1. ابوالفضل طریقه دار، جزیره خضرا - افسانه یا واقعیت، از ص 45 به بعد.
2. جعفر مرتضی، دراسه فی علامات الظهور والجزیره الخضراء، ص 273.
3. ابوالفضل طریقه دار، همان، ص 211 به بعد.
4. جعفر مرتضی، همان، ص 273.
5. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص 266.
6. ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، ص 182.
7. همان، ص 164.

منظور از جزیره خضراء چیست؟ آیا چنین مکانی در کره خاکی وجود دارد؟

در سال 699 هجری قمری (بیش از هفتصد سال پیش) فردی به نام علی بن فاضل مازندرانی ادعا کرد که به جزیره‌ای رفته که حضرت ولی عصر(عج) و یاران و فرزندان او در آن جا سکونت دارند. نام آن جزیره «خضراء» است. او چگونگی مسافرت خویش به این جزیره و حوادثی را که با آن روبرو شده بود، برای شخصی به نام فضل بن یحیی طیبی کوفی شرح داد. (1)

سپس دیگران به نقل و نقد آن پرداختند؛ برخی پذیرفتند و برخی آن را به دلایلی چند مردود دانستند. (2) برخی از نویسندگان مانند ناجی نجار در کتاب «جزیره الخضراء» قضیه «مثلث برمودا»، مسئله بشقاب پرنده‌ها که از چند دهه گذشته مطرح شده و برای بشر ناشناخته مانده است، نیز حوادثی را که برای کشتی‌ها و هواپیماها در «مثلث برمودا» در دریای کارائیب واقع در اقیانوس اطلس رخ داد، با جزیره خضراء مورد ادعای علی بن فاضل مازندرانی پیوند داده و ادعا کرده که جزیره خضراء، مثلث برمودا است.

بعد از این ادعا عالمان اسلامی همانند علامه محمد تقی شوشتری، جعفر مرتضی عاملی، ابراهیم امینی و شهید صدر به نقد آن پرداختند و آن را مردود و افسانه

پی نوشت ها:

1. مجلسی، بحارالانوار، ج 52، ص 159 - 174.
2. برای اطلاع بیشتر ر.ک: جزیره خضراء افسانه یا واقعیت؟، به قلم جمعی از دانشمندا معاصر ترجمه و تدوین ابوالفضل طریقه دارد.
3. همان.

مدت حکومت امام زمان چقدر است و چقدر با قیامت فاصله دارد؟

در خصوص مدت حکومت امام زمان(ع) اختلاف بوده و مدت معین و مقطع زمانی خاصی را نمی‌توان تعیین کرد. به نظر می‌رسد منشأ اختلاف نظرها، روایاتی باشد که درباره مدت حکومت امام زمان(ع) وجود دارد.

ابتدا - قبل از ذکر روایات - بیان این مطلب ضروری است که عقل بر طولانی بودن حکومت امام حکم می‌کند، لازمه تشکیل حکومت جهانی با هدف مندی برقراری عدالت، حاکمیت دین بر جهان آن است که حکومت حضرت طولانی باشد. از سوی دیگر در اندیشه شیعی رجعت قابل قبول بوده و معنای رجعت آن است که برخی از بزرگان زنده شده، در سایه حکومت عدالت گرای امام زمان(ع) زندگی می‌کنند.

در برخی روایات تصریح شده است که حکومت امام زمان(ع) تا قیامت ادامه می‌یابد که این حدیث ناظر به مدت طولانی بودن حکومت امام زمان(ع) است. پیامبر اسلام(ص) فرمود: «در شب معراج خدای علم به من فرمود: من سلطنت مهدی را ادامه می‌دهم و روزگار او را بین دوستانم تا روز قیامت طولانی خواهم کرد».(1)

در روایات، مدت حکومت امام زمان(ع) متفاوت بیان شده است.(2) در برخی از روایات مدت حکومت امام زمان(ع) هفت و نه سال بیان شده است. چنان که از پیامبر(ص) در خصوص مدت حکومت امام زمان(ع) سؤال شد، حضرت فرمود: «یخرج من عترتی یملک سبعا لو تسعا فیملا الارض قسطا و عدلا».(3) از امام صادق(ع) درباره مدت حکومت امام زمان(ع) سؤال شد، فرمود: «سبع سنین یکون سبعین سنه من سنیکم هذه».(4)

امام علی(ع) فرمود: «مهدی سی و یا چهل سال حکومت می‌کند».(5)
از روایات مذکور نمی‌توان مدت معینی را برای مدت حکومت امام زمان بیان کرد.
بیان این نکته ضروری است که شاید مقصود از 7 و 5 سال، 7 و یا 5 قرن باشد. (6)
شاید بر همین اساس باشد که در برخی از روایات تصریح شده که هر سال حکومت
امام زمان(ع) به اندازه 20 سال دیگر است. (7) (یعنی برابر 20 سال معمولی)

پی نوشت‌ها:

- 1-ینابیع الموده، ص 486، نقل از محمد جواد نجفی، ستارگان درخشان، ج 14، ص 73.
- 2-مهدی موعود، ص 1070 - 1069؛ منتخب الاثر، ص 618 - 617؛ مجله حوزه، ویژه امام زمان(ع)، ص 58.
- 3-احمد حنبل، مسند احمد، ج 3، ص 28.
- 4-منتخب الاثر، ص 617.
- 5-همان.
- 6-گفتمان مهدویت (مجموعه سخنرانی‌ها) سخنرانی علی کورانی، ص 128.
- 7-محمد جواد نجفی، ستارگان درخشان، ج 14، ص 73.

مسجد جمکران چگونه شکل گرفت و تاریخچه اش چیست؟

شیخ صدوق در کتاب «مونس الحزین فی معرفه الحق و الیقین» نوشته است: شیخ حسن بن مثله جمکرانی گوید: شب سه شنبه هفدهم ماه رمضان سال 373 هجری قمری در خانه خود بودم که ناگهان جماعتی آمدند و من را صدا زدند و گفتند که حضرت مهدی(عج) شما را طلبیده است.
به همراه جماعت به مکانی که هم اکنون مسجد مقدس جمکران در آن واقع شده است، رفتیم؛ در آن جا حضرت به من فرمود: به صاحب این زمین (حسن بن مسلم) بگو که این زمین، زمین شریفی است و خدای تعالی این زمین را از زمین های دیگر برگزیده است. نزد سید ابوالحسن الرضا برو و به او بگو که این زمین را از حسن بن مسلم بگیرد و با همکاری مردم در این زمین مسجدی بنا گردد و به مردم بگو تا به این مکان توجه کنند و آن را عزیز دارند و چهار رکعت نماز در این جا به جا آورند. سپس

حضرت خواندن نماز مخصوص در این مکان را به وی آموخت.

حسن بن مثله جمکرانی می گوید: به حضرت عرض کردم: برای این که دیگران حرف من را بپذیرند، به دلیل و نشانه نیاز است، چون که مردم حرف بی دلیل را نمی پذیرند. حضرت فرمود: ما نشانه ای و علامتی قرار می دهیم تا سخن تو تصدیق شود. برو نزد سید ابوالحسن الرضا و به او بگو که این کارها را انجام دهد... .

من به خانه ام بازگشتم و فردا صبح به همراه «علی المنذر» به خانه سید ابوالحسن الرضا رهسپار شدیم. وقتی که به منزلش رسیدیم، دیدیم که خدمت گزاران سید می گویند: آقا از سپیده دم تا کنون منتظر شما است. آیا از جمکران آمده اید؟ گفتم: آری. پس نزد سید رفتیم و بعد از سلام و احوالپرسی به من گفت: ای حسن بن مثله! من خوابیده بودم. در خواب شخصی به من گفت: بامداد مردی از جمکران به نام حسن بن مثله پیش تو می آید. باید سخنش را تصدیق کنی. سخن او سخن ما است.

من هم ماجرا را گفتم و به فرمان ناحیه مقدسه این مسجد ساخته شد. (1)

پی نوشت:

1. مجلسی، بحارالانوار، ج 53، 230 - 234.

چگونه میتوانیم با امام زمان ارتباط داشته باشیم؟

برای برقراری ارتباط و انس با امام زمان(ع) رعایت برخی از شرایط و ایجاد برخی از عوامل نیاز است که با رعایت و ایجاد آن ها می توان با آن امام همام ارتباط برقرار نمود که به برخی اشاره می شود:

- 1) عشق: عشق و اظهارمحبت به ساحت مقدس امام زمان(ع) مهم ترین شرط مانوس شدن با امام زمان(ع) است. عشق بدان معنا است که عاشق از همه قید و بندهای خود محوری و دنیاگرایی رهایی یافته، حجاب زدایی کند. آنانی که نتوانسته اند در حریم محبوب راه یابند، خود حجاب بوده اند:

گفتم که روی ماهت، از من چرا نهان است؟ گفتا تو خود حجابی، ورنه رُخم عیان است

گفتم فراق تا کی؟ گفتا که تا تو هستی گفتم نفس همین است؟ گفتا سخن همان است

- 2) پارسایی: برای ارتباط با امام پارسا، پارسایی لازم است؛ تا نوعی همگونی بین مراد و مرید به وجود آید. بر همین اساس یکی از اوصاف 313 نفر یاران امام، معنویت و

تقواگرایی بیان شده است. امام صادق(ع) فرمود: «هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد و پارسایی پیش گیرد و کردار با ورع داشته باشد».(1) در برخی روایات دیگر نیز تصریح شده که امام زمان(ع) دیگران را دعوت به تقوا نموده است.

3) دین مداری و تکلیف گرایی.

یکی از عوامل مهم انس با امام زمان(ع) دین داری است. انسان در عصر غیبت باید بیشتر به دستورهای الهی توجه نموده، از محرّمات پرهیز کند و مقید به انجام تکلیف خدایی باشد، زیرا انسان‌ها در عصر غیبت بیشتر در معرض آفات و آسیب‌ها قرار گرفته، نیاز به پشتوانه قوی دارند، و انجام وظایف دینی کارآمدترین عامل آسیب زدایی است. شاید بر همین اساس پیشوایان دین، مردم را به دین مداری، صحت اعمال، دعا و توسل به اهل بیت(ع) فراخوانده است. امام صادق(ع) فرمود: «برای صاحب الامر غیبتی طولانی است. در این دوران هر کسی باید تقوا پیشه سازد، و چنگ در دین زند».(2) بی تردید یکی از مصادیق مهم دین داری، رعایت حقوق انسان‌های دیگر و رعایت عدالت در تمام ابعاد آن می‌باشد؛ از این رو یکی از شاخصه‌های حکومت امام زمان(ع) گسترش عدالت بیان شده است.

4) انتظار فرج: انسان منتظر همیشه آماده پذیرایی از مهمانی است که انتظار او را می‌کشد. طبیعی است چنین حالتی آمادگی بیشتری را جهت ارتباط معنوی با امام زمان(ع) فراهم می‌کند؛ از این رو در بعضی روایات یکی از وظایف شیعیان انتظار فرج بیان شده است. پیامبر اسلام(ص) فرمود: «أفضل أعمال أمتی أنتظار الفرج من الله عزوجل».(3)

5) دعا و توسل به اهل بیت(ع): یکی از راه‌های ارتباط معنوی با امام زمان(ع) دعا و توسل به اهل بیت(ع) به ویژه ساحت مقدس امام زمان(ع) است. از این رو یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت دعا کردن برای امام زمان(ع) و توسلات بیان شده است.(4) البته برخی دعاها، مانند عهد و دعای فرج از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بی تردید شخصیت‌هایی مانند مقدس اردبیلی(5) علامه حلی(6) و علامه بحرالعلوم(7) با بهره‌گیری از عوامل مذکر توانستند با امام زمان(ع) ارتباط برقرار نموده و با ایشان مانوس شوند.

در پایان به شما کارآموزان مهدی دوست یاد آور می‌شوم که ما باید بدنبال ارتباط درونی و معنوی با امام خویش باشیم. بی تردید می‌توان با امام زمان(ع) ارتباط معنوی

بر قرار کرد. البته این ارتباط با بهره‌گیری از تقوا، دعا و توسل به ائمه(ع)، به ویژه به ساحت مقدس امام زمان(ع) امکان‌پذیر است. شاید بر همین اساس باشد که یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت، دعا برای امام زمان(ع) و توسلات بیان شده است.(8) ارتباط معنوی بدان معنا نیست که انسان امام زمان(ع) را ملاقات حضوری کند، بلکه باید با آن امام ارتباط برقرار کند و همیشه به یاد او باشد و او را در تمام اعمال ناظر بداند. هرگاه چنین لیاقت و شایستگی‌ای حاصل شد حضرت به انسان عنایت نموده و به رفع مشکلات انسان می‌پردازد؛ از این رو امام زمان(ع) در فرمایشی که برای شیخ مفید صادر نمود فرمود: «ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده نمی‌ماند».(9)

باز حضرت در همان فرمایش فرمود: «ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم. اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می‌کردند».(10)

ارتباط معنوی انسان با امام زمان(ع) سبب می‌شود که حضرت میان مردم حضور پیدا کند، اگر چه مردم او را نشناسند. امام علی(ع) فرمود: «سوگند به خدا، حجت خدا میان آنان هست و در کوچه و بازار گام بر می‌دارد و بر خانه‌های آنان وارد می‌شود و در شرق و غرب جهان به سیاحت می‌پردازد و گفتار مردمان را می‌شنود و بر اجتماعات آنان وارد شده سلام می‌دهد. او مردمان را می‌بیند».(11)

در دعای ندبه می‌خوانیم: «جانم فدایت! تو آن غایبی هستی که از میان ما بیرون نیستی. جانم فدایت! تو آن دور شده از وطن هستی که از ما دور نیستی».(12)
پی‌نوشت‌ها:

- 1 - بحار الأنوار، ج 52، ص 140
- 2 - بحار الأنوار، ج 52، ص 135
- 3 - صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص 629
- 4 - شیخ عباس قمی، منتهی‌الامال، ص 559 و 562
- 5 - همان، ج 2، ص 470؛ مهدی موعود، ص 934
- 6 - تنکابنی، قصص العلماء، ص 259
- 7 - بحار الأنوار، ج 52، ص 174.
- 8 - منتهی‌الامال، ص 559 و 562.
- 9 - احتجاج طبرسی، ج 2، ص 596.

10- همان.

11- جباری، عاشوری و حکیم، تاریخ عصر غیبت، ص 426، به نقل از الغیبه نعمانی، ص 72.

12- مفاتیح الجنان، دعای ندبه

چگونه امام زمان کشته می شود؟

کار آموز محترم در ابتدا لازم است از سوالات خردورزانه شما تشکر نمایم و در جواب سؤالتان باید بگویم: درباره این که آیا امام زمان(ع) کشته می شود یا به مرگ طبیعی از دنیا می رود و اگر کشته می شود، آیا کشته او مرد است یا زن؟ مسلمان است یا غیر مسلمان؟ اصفهانی است یا غیر اصفهانی؟ اگر چه سخنانی گفته شده و چه بسا روایاتی نقل شده باشد، اما دلیل معتبری در دست نیست. از حدیث معروف «ما منّا إلاّ مقتول أو مسموم» (1) تمامی ما امامان با شمشیر کشته می شویم یا با زهر» استفاده می شود که امام زمان نیز مانند بقیه ائمه، کشته یا مسموم می شود.

اما اصل مسئله این که آیا همه آن بزرگواران به شهادت رسیده یا برخی به مرگ طبیعی از دنیا رفته اند، بین علمای شیعی اختلاف است. شیخ صدوق(ره) بر این باور است که همه معصومین(ع) به اجل غیر طبیعی از دنیا رفته اند. شیخ مفید(ره) فرموده تمامی آنان با قتل یا با سم از دنیا نرفته اند، بلکه شهادت برخی از آنان مشکوک است. شهادت امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین(ع) قطعی و حتمی است. پس از ایشان مسمومیت و شهادت امام موسی بن جعفر(ع) نیز قطعی و مسلم است. درباره امام رضا(ع) نیز قول قوی به مسمومیت ایشان است. اما در دیگر امامان دلیل قطعی برای اثبات این که آنان به وسیله سم کشته شده باشند، جای تردید است.(2)

بنابراین دلیلی بر کیفیت مردن یا شهادت امام زمان(ع) نداریم، اما تذکر این نکته ضروری است که پیامبر و امامان به مقام شهادت که مقامی بس بالا و والا است رسیده اند و رسیدن به این مقام اسبابی دارد. ممکن است فردی با مرگ طبیعی از دنیا برود، ولی در اثر این که دارای تقوا و عمل صالح است، به مقام شهادت برسد. البته یکی از مهم ترین اسباب رسیدن به این مقام، کشته شدن در راه خدا است.

کارآموز عزیز بهتر است برای اطلاع بیشتر به کتاب های مهدی موعود ترجمه علی دوانی، در انتظار خورشید از عبدالرحمن انصاری، امام در عینیت جامعه نویسنده محمد رضا حکیمی، دادگستر جهان نوشته ابراهیم امینی و منتهی الآمال نوشته حاج شیخ عباس

قمی مراجعه نمایید تا علاوه بر حل مساله خود با دیگر مطالب در این زمینه نیز آشنا شوید.

پی نوشت ها:

1. مجله حوزه، شماره 70 - 71، ص 590، به نقل از بحارالانوار، ج 27، ص 213 و 216 و 217.

2. همان، ص 60، به نقل از اعتقادات شیخ صدوق، ج 5، ص 99، چاپ کنگره شیخ مفید.

چرا هنگام ظهور امام زمان(عج) همه جا را ظلم و فساد فرا می گیرد؟ مقصود از این که ظلم و فساد جهان را فرا می گیرد چیست؟

بی تردید امام زمان(عج) حکومت جهانی تشکیل خواهد داد. برای شکل گیری و پذیرش آن نیاز است که برخی از شرایط فراهم و عوامل شکل گیری آن ایجاد شوند. یکی از شرایط ایجاد حکومت جهانی، آمادگی مردم و احساس نیاز شدید آنان می باشد. آمادگی آن گاه حاصل می شود که مردم ستم های حاکمان را تجربه و ظلم و فساد آنان را ؛ خسته کرده باشد. در غیر این صورت مردم نه آمادگی پذیرش حکومت جهانی را دارند و نه قدر و ارزش آن را می دانند.

طیب عشق مسیحا دم است و مشفق، لیک چو درد در تو نبیند، چه را دوا بکنند؟! امروزه در جهان حکومت های متعددی وجود دارد، زیرا مردم هنوز آمادگی پذیرش حکومت جهانی را ندارند؛ حتی برخی احساس می کنند حکومت های آنان بهترین حکومت و رهبران آن ها موفق ترین رهبران هستند.

برای پذیرش حکومت جهانی امام زمان(ع) لازم است افکار عمومی آمادگی پذیرش حکومت امام را پیدا کنند. یکی از زمینه های آن گسترش ظلم و فساد است. گسترش ستم ها و ناهنجاری ها موجب می شود که مردم آرزوی حکومت عادلانه را نموده و از دل و جان آن را بپذیرند. در برخی از روایات از جنگ و ظلم ها سخن به میان آمده است که پیش از ظهور به وجود می آیند.

حوادث قبل از ظهور نقش بنیادی در شکل گیری حکومت و پذیرش آن توسط مردم

دارند.

امام علی(ع) فرمود: «درباره مولودی می اندیشم که از نسل من است و او مهدی است که زمین را پر از عدل و داد می کند، پس از آن که از ستم و بیداد آکنده باشد».(1) هم چنین یکی از ارزش ها و اهمیت کار حضرت مهدی(عج) ایجاد عدالت در پهنه گیتی بعد از گسترش ظلم در آن است.

کاری که به وسیله امام زمان(عج) صورت می گیرد، به وسیله هیچ یک از پیامبران و امامان پیش از او انجام نشده و آن گسترانیدن عدالت پس از ظلم و ستم بسیار است. این کار اهمیت نهضت امام زمان را دو چندان می کند، یعنی وضع جامعه را به نقطه مقابل آنچه وجود دارد، می کشاند، به همین خاطر تمام ادیان و مذاهب در انتظار آن هستند. کاری که هیچ گاه صورت نگرفته است.

البته مقصود از این که هر گاه جهان را فساد گرفت، امام ظهور می کند، آن نیست که در جامعه افراد صالح و شایسته وجود نداشته و همه ارزش ها از بین رفته باشد.

در این که مقصود از گسترش فساد و ظلم چیست، احتمالات متعددی وجود دارد:

1- هرگاه بدی ها، بر خوبی ها، ضد ارزش ها بر ارزش ها و ظلم بر عدالت غلبه نمایند، امام ظهور می کند.

2- مقصود از گسترش ظلم و ناهنجاری ها آن است که مردم به رشد فکری رسیده و معنای ظلم و ظالمان و مفسد را خوب درک کنند، از این رو اگر ظلم و ناهنجاری ها گرچه به طور محدود به وجود آید، مردم احساس می کنند و شدیداً رنج می برند.

3- اگر چه مردم خواهان عدالت و نیکی هستند و از درون قلب آن را احساس می کنند، اما حاکمان آن ها مردمی ستمگرند و حقوق آن ها را پایمال می کنند و اجازه برقراری عدالت و مساوات نمی دهند و یا آن را اجرا نمی کنند.

بدین سان در زمان ظهور امام زمان(ع) فرهنگ ستم ستیزی به اوج رسیده و مردم ظلم و فساد را تحمل نمی کنند؛

شهید مطهری می گوید: مقصود از گسترش ظلم آن است که هر یک از شقی و سعید (بدبخت و خوشبخت) گروه حق و باطل به نهایت کار خود می رسند: ستمکاران و بدکاران به درجه ای از بدی و نابکاری می رسند که لهیب آتش آنان، همه را فرا می گیرد و صالحان در مظلومیت هستند.(2)

بر این اساس ظهور امام در زمانی شکل می گیرد که مردم رشد فکری پیدا کرده و در جامعه، فرهنگ ستم ستیزی گسترش یافته و انسان های حق طلب از ظالم و باطل گرا

تشخیص داده می شوند اما هنوز همه ارزش ها و عدالت از بین نرفته اند. در چنین فضایی است که مردم آماده پذیرش حکومت جهانی امام زمان (عج) می شوند.

پی نوشت ها:

1. کمال الدین، ج 1، ص 289.

2. قیام و انقلاب مهدی، ص 66.

نشانه‌های ظهور امام زمان را بیان کنید؟

در روایات برخی امور به عنوان نشانه‌های ظهور ذکر شده است. از جمله انحراف بنی عباس و از هم گسستن حکومت آنان، جنگ صلیبی، فتح قسطنطنیه به دست مسلمانان، در آمدن پرچم‌های سیاه از خراسان، خروج مغربی در مصر و تشکیل دولت فاطمیان، وارد شدن ترک‌ها در منطقه بین النهرین، وارد شدن رومیان در منطقه رمله و شام، رها شدن کشورهای عرب از قید قدرت‌های ظالم (استعمار)، بالا آمدن آب رودخانه دجله و سرازیر شدن آن به کوچه‌های کوفه، بسته شدن پل روی دجله در بین بغداد و کرخ، اختلاف بین شرق و غرب و جنگ و خونریزی فراوان، خروج سفیانی، خروج یمانی، خروج دجال، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه، فراگیر شدن جهان از ظلم، رواج علوم دینی در قم و نشر آن در سایر بلاد و... (1)

لیکن از این امور نمی‌توان قضاوت نمود کدام یک حتمی و کدام یک غیر حتمی است، نیز کدام یک به وقوع پیوسته و کدام یک در آینده به وقوع می‌پیوندد و آن چه به وقوع پیوسته، همان است که در روایات آمده.

برای روشن شدن این مطالب لازم است توضیحاتی را خدمتتان عرض نمایم:

1- نامعلوم بودن وقت ظهور: اگر از نشانه‌های ظهور سخن به میان می‌آید، بدین معنا نیست که از این طریق وقت ظهور حضرت مهدی (عج) را مشخص کنیم. بنا به مصالحی زمان ظهور حضرت مشخص نشده است. هیچ کس جز خدا از وقت دقیق ظهور حضرت آگاه نیست. بارها از امامان (ع) در مورد زمان خروج قائم پرسیدند، اما آنان از مشخص نمودن آن نهی نمودند و زمان ظهور را همانند علم به قیامت در انحصار خدا معرفی کرد. (2)

«شیخ طوسی» در این باره می‌گوید: زمان ظهور مهدی (عج) به روشنی بر ما معلوم نیست، بلکه او تا آن‌گاه که خداوند اجازه خروج بدهد، از دیدگاه ما پنهان است. (3)

بنابراین نشانه‌های ظهور تنها بیانگر نزدیک شدن زمان ظهور است. بیش از آن نباید انتظار داشت. حال اگر روایتی باشد که در آن زمان ظهور حضرت مشخص شده است، ناگزیر باید آن را توجیه نمود و یا به کناری نهاد.

2- مراد از نشانه‌های ظهور: مقصود از نشانه‌های ظهور این نیست که با تحقق هر یک ظهور حضرت وقوع می‌یابد، بلکه مراد، رخدادهایی است که بر اساس پیشگویی معصومان (ع) پیش و یا در آستانه ظهور حضرت مهدی (عج) پدید خواهند آمد که تحقق هر یک نوید نزدیک‌تر شدن ظهور حضرت است، به گونه‌ای که با وقوع تمامی آن رخدادها و به دنبال آخرین نشانه‌های ظهور، حضرت قیام خواهد نمود.

3- انواع نشانه‌های ظهور: با نگاهی به روایات معصومان (ع) می‌توان نشانه‌های ظهور را بدین شرح تقسیم و دسته بندی نمود:

أ) نشانه‌های حتمی و غیر حتمی: نشانه‌های حتمی به نشانه‌هایی گفته میشوند که به روشنی به عنوان علائم حتمی ظهور یاد شده است؛ بدین معنا که بدون هیچ قید و شرطی قطعاً تحقق خواهند یافت و ظهور حضرت منوط به پیدایش آنها می‌باشد، اما نشانه‌های غیر حتمی به نشانه‌هایی گفته می‌شود که مقید و مشروط به اموری هستند که در صورت تحقق آنها، به عنوان نشانه به شمار می‌آیند. (4)

ب) نشانه‌های عادی و غیر عادی: برخی از نشانه‌های ظهور به روال طبیعی و عادی تحقق می‌یابد، مانند زوال دولت عباسیان، ولی برخی به روال غیر طبیعی و غیر عادی است مانند «صیحه آسمانی» و «طلوع خورشید از مغرب».

این دسته روایات را باید به نوعی خاص معنا نمود، چون پدیدار شدن آنها عادتاً ممکن نیست. این‌ها را یا می‌بایست در چار چوب معجزه قرار داد و توجیه نمود، یا از معنای ظاهری آن دست کشید و به معنای کنایی و مجازی آن دانست.

ج) نشانه‌های متصل و غیر متصل: در روایات شماری از نشانه‌های ظهور به گونه‌ای بیان شده است که از آنها استفاده می‌شود بین آنها و ظهور حضرت فاصله‌ای وجود ندارد، بلکه به زمان ظهور متصل می‌باشند، مانند خروج سفیانی و یمانی. این‌ها نشانه‌های متصل به ظهورند، اما بیشتر نشانه‌ها به گونه‌ای دیگر است که بین

تحقق آن‌ها و زمان ظهور حضرت مهدی ممکن است فاصله زیادی وجود داشته باشد، به عنوان مثال در روایات آمده: یکی از نشانه‌ها در آمدن پرچم‌های سیاه از خراسان است. حال اگر این را به خروج ابومسلم خراسانی و سپاه سیاه جامگان تفسیر کنیم، بین این نشانه و ظهور حضرت مهدی زمان طولانی فاصله است.

4- شمار نشانه‌های ظهور: در مورد شمار نشانه‌های ظهور پاسخ دقیق و روشنی وجود ندارد.

برخی از عالمان بزرگ مانند شیخ مفید در بحث «علامات قیام القائم» با اشاره به اخبار و آثاری که از معصومان(ع) رسیده، بیش از پنجاه نشانه را بیان کرده است. (5) برخی دیگر همانند علامه مجلسی شمار بیشتری را متذکر شده‌اند. (6) عالمان اهل سنت در کتاب‌های خویش به برخی امور دیگر اشاره کرده‌اند. هنگامی که به این آثار و نشانه‌ها و روایات دقت کنیم، متوجه می‌شویم که: برخی از علائم تنها نشانه ظهورند و برخی نشانه ظهور و برپایی قیامت. بعضی کلی هستند و برخی به امور جزئی پرداخته‌اند. برخی از نظر سند مشکل دارند و پاره‌ای مشکل ندارند. برخی در دلالت معنایی مشکل دارند و بعضی ندارند، بنابراین نمی‌توان در مورد و تعداد نشانه‌های ظهور قاطعانه سخن گفت.

5- خلط بین نشانه‌های ظهور و برپایی قیامت: برخی از نشانه‌ها مانند خروج دجال و طلوع خورشید از مغرب، در پاره‌ای از منابع روایی، از نشانه‌های برپایی قیامت و «اشراط الساعه» آمده است اما در بعضی دیگر از نشانه‌های قیام حضرت مهدی(عج)، به نظر می‌رسد در برخی روایات بین این دو دسته نشانه‌ها جابجایی صورت گرفته باشد. بعید نیست برخی از نشانه‌های غیر عادی که در پاره‌ای از منابع روایی، از نشانه‌های ظهور حضرت آمده است، نشانه‌های برپایی قیامت باشند، نه نشانه‌های ظهور، چون این گونه امور با «اشراط الساعه» بیشتر تناسب دارد.

6- خلط بین قائم و مهدی موعود: در روایات گاهی سخن از حضرت مهدی آمده است و گاهی از قائم، نمی‌توان تمامی مواردی را که واژه قائم به کار رفته است، به مهدی موعود حمل نمود، چرا که این واژه به تمامی امامان(ع) اطلاق شده است. در روایت آمده است: «کلنا قائم بأمر الله واحدٌ بعد واحدٍ» (7) همه ما یکی پس از دیگری قیام کننده به حکم خدا هستیم».

نیز به غیر امامان هم اطلاق شده، چرا که قائم به معنای قیام کننده است. هر کسی که انقلاب کند و مردم را بر ضد ظلم فرا خواند، قائم است. امام علی(ع) در

خطبه‌ای که در مورد حوادث آینده ایراد کرد فرمود: «إذا قام القائم بخراسان... و قام منّا قائم بجیلان؛ (8) هنگامی که قائم در خراسان قیام کند و قیام کننده‌ای از ما در سرزمین گیلان قیام کند...». این احادیث را نمی‌توان درباره حضرت مهدی (عج) دانست.

7- خلط بین «فرج» و ظهور حضرت مهدی (عج): گرچه ظهور حضرت مهدی (عج) برای اهل بیت پیامبر (ص) و شیعیان فرج و گشایش است، لیکن همه جا واژه فرج را نمی‌توان به ظهور حضرت مهدی حمل نمود. متأسفانه گاهی چنین خلطی یافت می‌شود.

پیش‌گویی‌های معصومان در مورد رخدادهای دوران حکومت امویان و عباسیان و چگونگی فروپاشی آن‌ها و حرکت‌هایی که در مقابل آن‌ها شکل می‌گیرد، گاه از آن‌ها به علائم فرج یاد شده است، که لزوماً به معنای نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) نیست، بلکه می‌تواند به معنای لغوی فرج؛ یعنی گشایش در کار شیعیان باشد.

8- احتمال جعل و تحریف: اهمیت بحث مهدویت به ویژه بهره‌مندی آن از بار سیاسی از یک سو، و علاقه شدید مسلمانان به آگاهی از چگونگی رخدادهای آینده و پدیدار شدن نشانه‌های ظهور از سوی دیگر، سبب شد که برخی در پی تحریف و جعل روایات در زمینه مهدویت و نشانه‌های ظهور برآیند.

با دقت در روایات نشانه‌های ظهور این سخن تأیید می‌شود، زیرا بسیاری از روایاتی که در زمینه نشانه‌های ظهور وجود دارد، از نظر سند ضعیف و قابل مناقشه است و دلالت آن‌ها نیز با مشکل مواجه است.

از مطالبی که بیان شد، به این نتیجه نایل می‌شویم که در زمینه علائم ظهور حضرت مهدی (عج)، و این که کدام یک از آن‌ها به راستی به وقوع پیوسته است، نمی‌توان قضاوت قاطعی را ابراز نمود.

انشاء الله که تمامی شما کارآموزان گرامی و مؤمن و خداجوی و به برکت وجود شما بنده حقیر در زمان حضور حضرت باشیم و جزء بهترین یاوران حضرت به ایشان و اسلام خدمت نماییم.

پی‌نوشت‌ها:

1. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الکبری، ج 2، ص 472 به بعد؛ کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، ص 283 - 247؛ سفینه البحار، ج 2، ص 445.
2. مجلسی، بحار الأنوار، ج 52، ص 182.
3. الغیبه، ص 425.
4. مجله حوزه، شماره 72، ص 240.
5. ارشاد، ج 2، ص 368 به بعد.
6. بحار، ج 52، ص 279 - 180.
7. کلینی، کافی، ج 1، ص 536.
8. مجلسی، بحار، ج 52، ص 235.

و عده ظهور امام مهدی (ع) حقیقت دارد یا فقط برای امید آفرینی است؟

«موعود» و «داستان مصلح» در آخرالزمان، اصلی اساسی است. پیشینیان پیوسته آن را به یادها آورده اند. اکنون نیز پس از ظهور قرن ها در یادگارهای انسانهای قدیم آثاری هست که به ظهور مصلح کل بشارت می دهد. در کتاب ها و آثار زردشت درباره آخرالزمان و ظهور موعود مطالب بسیاری آمده است.

در آیین های هندوان و کتاب های آنان نیز سخن از نجات دهنده و «موعود» آمده است. از جمله در کتاب «مهابهاراتا» در این باره گفته اند: همه ادیان معتقدند که در پایان هر دوره ای از تاریخ بشر از لحاظ معنوی و اخلاقی رو به انحطاط می رود... و نمی تواند به خودی خود این سیرنزولی خاتمه یابد. پس ناچار روزی یک شخصیت معنوی بلند پایه که از مبدأ و الحام سرچشمه می گیرد، ظهور خواهد کرد و جهان را از ظلم و ستم نجات خواهد داد. در این مورد تعالیم هر دینی به صورت رمزی به حقایقی اشاره شده است که با معتقدات آیین های دیگر هماهنگی کامل دارد» (1).

در دین بودایی هم مسئله انتظار مطرح است. در آثار دینی یهود و اسفار تورات و دیگر کتاب های انبیا همواره به «موعود» اشاره شده است. در آیین مسیحیت و کتاب های مقدس این آیین هم بشارت های بیشتر و روشن تری درباره موعود آخرالزمان رسیده است.

به دلیل همین حضور و بشارت ها در فرهنگ های گوناگون و در عقاید و کتاب های

امت ها و ملت ها در یکی از زیارت های حضرت امام زمان (ع) آمده است: «السلام علی مهدی الأم؛ سلام بر مهدی که امت ها از او سخن گفته اند». (2)

پس مسئله ظهور منجی عالم بشریت از روزگاران بس قدیم، از سده های پیش از ظهور اسلام مطرح بوده است و در کتاب های پیامبران و نوشته ها و آثار گوناگون بر جای مانده از حکیمان و فرزنانگان پیشین به ظهور منجی بزرگ جهانی در آخرالزمان تصریح اشاره شده است. (3)

مسئله «مصلح کل» و ظهور حضرت امام عصر از مسلمات و قطعیات دین اسلام است و قضای حتمی پروردگار می باشد. همه فرقه های اسلامی معتقدند در آخرالزمان که تاریکی های ظلم و ستم جهان را فرا گرفته باشد، مردی از نسل حضرت علی و فاطمه علیهماالسلام ظهور می کند و عدالت جهانی را میان جهانیان می گستراند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر از عمر جهان یک روز باقی نماند، خداوند همان یک روز را چنان دراز کند تا مردی از اهل بیت من بیاید و جهان را پر از عدل و داد کند». (4) مسئله مهدی و ظهور حضرتش منحصر به مذهب شیعه نیست، بلکه همه مذاهب اسلامی احادیث نبوی در این مورد را به حد تواتر نقل کرده و کتاب های فراوان در این موضوع نوشته اند. پس عقیده به حضرت امام زمان علیه السلام یک اعتقاد مسلم و یقینی است و ظهور حضرت واقعیت است، نه صرف امید دادن. حضرت مهدی در 255 هجری در سامرا متولد شد و هم اکنون همه ما به برکت وجود نازنین و پر فیض آن بزرگوار از نعمات الهی بهره مند می شویم. هر وقت خدا مصلحت بداند و مردم جهان شایستگی و رشد و آمادگی داشته باشند، ظهور محقق خواهد شد. این که گفتیم شایستگی مردم بدین جهت است که خداوند یازده امام به مردم معرفی کرد و مردم همه آنان را به شهادت رساندند و وقتی بر خودشان هم ثابت شد که لیاقت زندگی در حضور معصوم را ندارند، خدا امام دوازدهم را از دیده ها پنهان کرد تا هنگامی که مصلحت بداند. از این جا معلوم می شود که غیبت امام علیه السلام با عدالت الهی منافات ندارد، زیرا خدا امام را خلق و برای مردم معرفی فرمود، ولی مردم با کشتن یازده امام منع فیض نمودند. اگر امام دوازدهم غایب نمی گشت، به سرنوشت امامان گذشته گرفتار می شد.

پی نوشت ها :

1 - معارف اسلامی در جهان معاصر، ص 245.

2 - مفاتیح الجنان، ص 1040 (زیارت صاحب الأمر (ع)).

3 - خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص 66 و 96.

4 - لطف الله صافی، منتخب الأثر، ص 192، حدیث 4.

چطور ممکن است امام زمان(عج) بیش از 1400 سال زنده باشد؟

کارآموز عزیز طول عمر برای انسان از نظر منطق و دانش امری ممکن است، علم نیز تلاش می‌کند تدریجاً این امکان نظری را به امکان عملی تبدیل سازد. وقتی از نظر منطق و علم، امکان وقوع عمر طولانی ثابت شد و معلوم گشت که دانش بشری در راه تبدیل امکان نظری به امکان عملی است، (1) دیگر جایی برای استبعاد تحقق این مسئله برای شخص امام زمان(عج) باقی نمی‌ماند، جز این اعجاب که چگونه حضرت مهدی(عج) توانسته بر علم پیشی گیرد و قبل از این که دست علم به سطح این تحوّل، یعنی امکان فعلی برسد، آن حضرت توانسته باشد امکان نظری را به امکان علمی تغییر دهد؟! این همانند کسی است که در کشف داروی بیماری صرع و سرطان بر علم پیشی گرفته باشد. (2)

در تاریخ تنها دو تن مأمور پاکسازی تمدن انسان از تباهی و فساد شدند و هر دو عمری چند برابر عمر معمولی ما داشته‌اند: یکی نوح پیامبر و دیگری که نقش خود را در آینده بشر ایفا می‌کند، حضرت مهدی(عج) است. چرا ما نوح را که حداقل نزدیک به هزار سال زندگی کرد می‌پذیریم، ولی مهدی(عج) را نمی‌پذیریم؟

اگر ما این نظر علمی را که ناتوانی و پیری نتیجه نبرد و کشمکش با عوامل مشخص خارجی است، بپذیریم، معنایش این است که از جنبه نظری امکان آن وجود دارد که اگر بافت‌های تشکیل دهنده جسم انسان را از عوامل مؤثر دور نگه داریم، حیات او طولانی می‌شود و در نهایت، بر پدیده پیری فایق می‌آید و اگر نظریه دیگری را که می‌گوید پیری قانونی طبیعی برای سلول‌ها و بافت‌های زنده است بپذیریم، به این نتیجه می‌رسیم که آنها تخم نیستی را با خود حمل می‌کنند و آن‌گاه که به مرحله ناتوانی و پیری رسند، می‌میرند. حتی در صورت پذیرش این نظریه نیز معنایش این نیست که این قانون طبیعی انعطاف‌پذیر نیست، بلکه این قانون بر فرض ثبوت، قانونی انعطاف‌پذیر خواهد بود، زیرا دانشمندان در آزمایشگاه‌های علمی خود مشاهده کرده‌اند و ما نیز در زندگی خود می‌بینیم که پیری پدیده‌ای فیزیولوژی است و وابسته به زمان نیست، گاهی

زود فرا می‌رسد و گاهی نیز با فاصله زمانی بیشتری آشکار می‌شود. گاهی فردی بسیار مسن است، ولی نشانه‌ای از پیری بر تن ندارد. به این موضوع پزشکان هم اعتراف دارند. دانشمندان از انعطاف پذیری این قانون بهره برده و عمر برخی حیوانات را صدها برابر از عمر طبیعی شان بیشتر کرده‌اند.

البته برای هر خداپرستی این که کلیه امور هستی به دست خداست و او می‌تواند در هستی و قوانین آن تصرف کرده و آن چه را به مصلحت است، محقق نماید امری بدیهی است، همان‌گونه که حضرت آدم(ع) را از خاک بی‌جان (بدون پدر و مادر) و حضرت عیسی(ع) را از مادر و بدون پدر خلق کرد و به حضرت نوح(ع) و حضرت خضر(ع) عمر طولانی داد و ماه را بدون آن که در کائنات خللی پیش آید دو نیمه کرد و به حالت اول بازگرداند، هم‌چنین می‌تواند مهدی موعود(عج) را نیز سال‌ها جوان و سالم نگه دارد.

.....
پی نوشت:

1. اصولاً امکان علمی در جایی است که گرچه فعلاً با وسایل امروزی احکام انجام آن نیست، ولی از نظر علم و راهکارهای پویایی علمی، مشکلی از جهت امکان وقوع آن با وسایل خاص در موقعیت مناسب وجود ندارد؛ مثلاً صعود به کره زهره از نظر علمی ممکن است، گرچه از نظر عملی فعلاً ممکن نشده است.

2. سید محمد باقر صدر، گفتگو درباره امام مهدی(عج).

امامان(ع) چگونه از اعمال ما با خبر می‌شوند؟

بهترین راه برای شناخت این امور مراجعه به احادیث و فرموده‌های امامان معصوم(ع) است.

الف) امام زمان(عج) در توقیعی خطاب به شیعیان فرمود:

فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَائِكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ؛(1)

ما بر اوضاع و احوال شما کاملاً آگاهیم و هیچ یک از اخبار شما بر ما پوشیده نمی‌ماند.

(ب) امام صادق(ع) درباره قول خدای عزوجل که فرمود:

(اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ)؛ (2)

عمل کنید که خدا و پیامبر و مؤمنین کردار شما را می بینند.

فرمود: مؤمنین همان ائمه هستند. (3)

(ج) عبدالله بن ابان که در نزد امام رضا(ع) منزلتی داشت گوید: به امام(ع) عرض کردم: برای من و خانواده ام به درگاه خدا دعا فرماید. امام فرمود: مگر من دعا نمی کنم؟ به خدا سوگند که همانا اعمال شما در هر شب و روز بر من عرضه می شود.

عبدالله گوید: حضرت که متوجه شد من این مطلب را بزرگ و باور نکردنی شمرده ام فرمود:

مگر کتاب خدا را نخوانده ای؟

(وَقُلْ اِعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ)؛

مراد از مؤمن به خدا سوگند علی ابن ابی طالب(ع) است. (4)

چگونگی دریافت علم و آگاه شدن بر کردار مردم

از امام کاظم(ع) در این باره روایت شده است که:

علم به سه صورت به ما می رسد: یکی اخبار گذشته که پیامبر(ص) برای ما تفسیر و تبیین کرده، دیگر اخبار آینده که در مصحفی نزد ما نوشته شده و سوم اخبار پدید شونده و فعلی که، از راه الهام در دل و تأثیر در گوش به ما می رسد (که هر روز به ویژه شب های جمعه و قدر حاصل می آید) و آن بهترین دانش ماست (زیرا از اسرار امامت است) و پیامبری بعد از پیامبر ما نیست. (5)

.....

پی نوشت:

2. توبه (9) آیه 105.

3. کافی، ج 1، ص 318.

4. همان، ج 1، ص 319.

5. همان، ص 393.

اگر قرار باشد غیبت امام زمان(عج) به دلیل حکمت‌های خاص الهی باشد، دعا کردن ما برای فرج چه خاصیتی دارد؟

1. اساساً غیبت امام زمان(عج) بر اساس اسباب و حکمت‌هایی صورت گرفته است که اگر چه به برخی آنها در روایات مختلف تصریح شده، اما دانستن همه آنها در دوران غیبت آن بزرگوار، ممکن نیست. امام صادق(ع) می‌فرماید:

إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يُنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ؛

حکمت غیبت امام زمان(عج) روشن نمی‌شود، مگر بعد از ظهور آن حضرت.

بنابر این، ممکن است یکی از حکمت‌های غیبت دچار ساختن انسان‌ها به بلا و مشکلاتی باشد که باعث روی آوردن آنها به خدا و دعا کردن برای فرج است. چنان‌که در قرآن آمده است:

ما انسان‌ها را به شداید و سختی‌های روزگار مبتلا می‌سازیم، باشد که به‌درگاه ما تضرع و زاری نمایند و به دعا روی آورند. (1)

بر این اساس، دعا برای فرج نه تنها منافاتی با حکمت‌های الهی ندارد، بلکه خود می‌تواند از زمره همین حکمت‌ها به شمار آید.

2. دعا برای فرج امام زمان(عج) وظیفه و تکلیفی است که در عصر غیبت در روایات بسیاری بر آن تأکید شده است. پیامبر اکرم(ص) و ائمه هدی(ع) بر چنین دعایی امر فرموده‌اند، حضرت ولی عصر(عج) نیز نه تنها شیعیان خود را به دعا کردن برای تعجیل فرج فرمان داده، بلکه کثرت دعا را از آنان خواسته‌اند. (2)

3. در برخی روایات، دعا برای فرج وسیله‌ای برای نجات از هلاکت به شمار آمده است. امام حسن عسکری (ع) می‌فرماید:

به خدا، فرزندم مهدی را غیبتی است که در آن هیچ کس از هلاکت نجات نمی‌یابد، مگر کسی که خدای (عزوجل) او را بر اعتقاد نسبت به امامتش ثابت قدم بدارد و او را در دعا برای تعجیل فرجش توفیق عنایت فرماید. (3)

در پایان باید گفت: وقتی که انتظار فرج والاترین نوع عبادت به شمار می‌آید، دعا برای فرج نیز زیباترین جلوه انتظار به حساب می‌آید و اصل دعا گرامی‌ترین و محبوب‌ترین چیزها در نزد خداست و تأثیر آن در تغییر دادن تقدیر است. چنان‌که در روایات پیامبر اکرم (ص) آمده است:

أَكْثَرُ مِنَ الدُّعَاءِ فَإِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ؛ (4)

زیاد دعا کن، زیرا دعا قضای الهی را باز می‌گرداند.

پی نوشت:

1. انعام (6) آیه 42.

2. أكثروا الدعاء بتعجيل الفرغ. (شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام النعمه، ج 2، ص 485).

3. شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام النعمه، ج 2، ص 384.

4. نهج الفصاحه، ص 84، ح 446.

آیا در زمان غیبت ذکر نام امام زمان (عج) به‌طور صریح جایز است؟

در بعضی از روایت وارد شده که نباید صریحاً اسم امام زمان (عج) برده شود، بلکه باید بگوییم (م ح م د). در روایتی آمده است: «لَا يَجِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ». (1) بنابراین، ذکر نام حضرت مباح نیست. بعضی از اعظام و علمای دین مستقلاً در این موضوع کتاب نوشته‌اند. (2) شیخ حر عاملی در این مسأله کتاب مستغنی تألیف کرده است. (3)

شیخ صدوق که متخصص و استاد جمع روایات درباره امام زمان (عج) است، در کمال الدین می‌فرماید:

وَأَلَّذِي أَذْهَبُ إِلَيْهِ مَا رُؤِيَ فِي النَّهْيِ مِنَ التَّسْمِيَةِ؛ أَنْ جِهَ مِنْ بَدَانٍ مَائِلٍ شَدَاهُ رَوَايَاتِي
است که در آنها از تسمیه نهی شده است.

معتقدان به این نظریه مثل شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طبرسی، سید اسماعیل عقیلی مؤلف کتاب کفایة الموحدين، میرداماد، علامه مجلسی و محدث نوری، هر کدام به‌گونه‌ای حکم به حرمت داده و آن را به زمان یا شرایط خاصی مقید کرده‌اند. (4)

اما قول دیگری نیز حاکم است و آن این که هیچ یک از مراجع عظام تقلید، ذکر نام امام زمان (عج) را حرام نمی‌دانند، زیرا روایاتی را که در این خصوص صادر شده، ناظر به زمان تقیه می‌دانند و استدلال می‌کنند که در روایات مربوط به امام زمان (عج) بیان شده که نام آن حضرت، نام پیامبر (ص) و کنیه‌اش، کنیه پیامبر (ص) است. وقتی کنیه پیامبر (ص) درباره ایشان صراحتاً و علناً مطرح بود نام پیامبر نیز علناً در مورد ایشان به کار گرفته می‌شد و این زمینه‌ای می‌شد تا دشمنان حضرت مهدی (عج) را شناسایی کرده و جان ایشان در خطر جدی قرار گیرد. البته این مربوط به زمان تقیه و خطر بوده است.

استنباط فقهای ما این است که این روایات ناظر به زمان تقیه است؛ یعنی زمانی که خلفای عباسی با شدت هر چه تمام‌تر از همه احتمالات و اخبار برای ردیابی امام زمان (عج) استفاده می‌کردند تا آن حضرت را به شهادت برسانند. اما الآن که آن تقیه وجود ندارد، آن حرکت هم منتفی است. بنابراین، ذکر نام امام زمان (عج): «حرمت مادامی» دارد، یعنی مادامی که تقیه حاکم بوده ذکر نام صریح امام (ع) حرام بوده، اما وقتی تقیه مرتفع شد، حرمت هم مرتفع می‌شود.

در این میان، بعضی از بزرگان بین دو قول مطرح در این مسئله جمع کرده و گفته‌اند: به استناد بعضی از روایات ذکر نام صریح حضرت در ملاء عام و محافل و مجالس جایز نیست، اما در غیر این موارد، بیان نام امام زمان (عج) اشکال ندارد. (5)

.....
پی نوشت:

1. کافی، ج 1، ص 332، روایت از امام حسن عسکری (ع).

2. شیخ آقا بزرگ تهرانی (1389 - 1393)، الذریعه الی تصانیف الشیعه.

3. محمد بن الحسن الحر العاملی (متوفای 1104 ق) کتابی به نام کشف التعمیه فی حکم التسمیه نوشته که در واقع، جواب رساله میرداماد است و در آن جواز تسمیه را اثبات کرده است.

4. ر. ک: محدث نوری مکیال المکارم و نجم الثاقب.

5. شیخ مفید، ارشاد، ج 2، ص 342 - 343؛ محدث نوری، النجم الثاقب، ص 58؛ شیخ صدوق؛ اعتقادات، ص 93-95.

غیبت حضرت صاحب الامر (ع) چگونه است؟ آیا جسم شریف ایشان از نظرها پنهان است؟ جسم حضرت اگر شناخته نشوند، دیده نمی‌شود؟ یا اینکه جسم آن حضرت دیده می‌شود، ولی کسی ایشان را نمی‌شناسد؟

غیبت جسم شخص یا اشیا دیگر، و مخفی ماندن فعل و عمل انسان از انظار حاضرین، در تاریخ معجزات و کرامات انبیاء و اولیاء خواص مؤمنین، بی سابقه نیست، و مکرر اتفاق افتاده است.

از جمله در تفسیر آیه کریمه:

«وإذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالآخره حجاباً مستوراً» (1).

علاوه بر آنکه ظاهر آیه دلالت دارد بر اینکه خدای متعال، رسول اعظم (ع) را در هنگامی که قرائت قرآن می‌نمود، از کفار که قصد ایدای آن حضرت را داشتند، پنهان و مستور می‌داشت، در برخی از تفاسیر است که خداوند متعال، پیغمبر (ص) را در هنگام قرائت قرآن، از ابوسفیان، نضر بن حارث، ابو جهل، و حمالة الحطب، مستور می‌فرمود. آنان می‌آمدند و از نزد آن حضرت می‌گذشتند و ایشان را نمی‌دیدند (2).

ابن هشام در «سیره» حکایتی از مستور ماندن و جود مقدس پیغمبر (ص) از نظر ام
جمیل (حمالة الحطب) روایت کرده که در پایان آن، این جمله را از پیغمبر (ص) نقل
نموده است:

«لقد أخذ الله بصرها عني» (3)

«خداوند دید او را از من گرفت و مرا از او پنهان نمود».

در وقت هجرت از مکه معظمه به مدینه طیبه نیز، بر حسب تواریخ معتبر، مشرکین که
بر در خانه پیغمبر (ص) برای کشتن او اجتماع کرده بودند، آن حضرت را ندیدند. بدین
ترتیب که پیغمبر (ص) بعد از آنکه حضرت علی (ع) را مأمور فرمود تا در بستر او
بخوابد، بیرون آمد، و مشتی خاک برگرفت و بر سر آنها پاشید و «یس والقرآن الحکیم»
را تا «فهم لا یبصرون» قرائت کرد، و از آنها گذشت و کسی آن حضرت را ندید (4).

و در تفسیر الدر المنثور جلد 4، صفحه 186، حکایتی است طولانی راجع به خبری که
حضرت امام جعفر صادق (ع) آن را از پدر بزرگوارش، و آن حضرت از امام زین
العابدین و او از امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده است که از شواهد این موضوع است.

و نیز در تفسیر آیه کریمه:

«و جعلنا من بین أیدیهم سداً و من خلفهم سداً فأغشینا هم فهم لا یبصرون»

«و در مقابل و پشت سر آنها مانعی قرار دادیم و آنها را به وسیله آن مانع، پوشاندیم،
پس آنها نمی بینند».

در کتب تفاسیر، روایاتی است که دلالت بر این موضوع دارند (5).

در تاریخ زندگی ائمه (ع) نیز بر این موضوع، شواهد متعددی وجود دارد؛ مانند غایب
شدن حضرت امام زین العابدین (ع) از نظر مأموران عبدالملک مروان، که علاوه بر
علمای شیعه، علمای اهل سنت مثل «ابن حجر» نیز آن را روایت کرده اند. پس مسأله
غایب شدن شخص، مسأله ای واقع شده و سابقه دار می باشد.

و اما خفا عنوان و ناشناخته ماندن انسان، بدون غایب شدن بدن بسیار بسیط و ساده است و در بسیاری از موارد، محتاج به اعجاز و خرق عادات نمی‌باشد، و همواره اشخاصی را می‌بینیم که کاملاً در نظرها آشکارند، ولی آنها را نمی‌شناسیم.

پس از این مقدمه، در جواب سؤال شما کارآموز گرامی باید بگوییم:

اگر چه فلسفه و صحت و فائده غیبت، به هر یک از دو نحو (غایب شدن جسم و ناشناس بودن) حاصل می‌شود و این جهات که امر امام(ع) مخفی باشد و کسی او را نشناسد، یا نتواند متعرض ایشان گردد و سائر هدف‌ها و مقاصدی که در غیبت آن حضرت است، در هر دو حال حاصل است؛ امام از جمع بین روایات و حکایات تشریف افراد به خدمت آن حضرت و استفاده تفسیر بعضی از آنها از برخی دیگر، دانسته می‌شود که غیبت آن حضرت به هر دو شکل (ناپیدا شدن و ناشناس بودن) وقوع دارد، و بلکه گاهی در زمان واحد هر دو شکل واقع شده است؛ یک نفر ایشان را دیده و نشناخته است، و دیگری در همان حال، اصلاً آن حضرت را ندیده است. چنانکه پیغمبر اکرم(ص) را در بعضی از وقایعی که به آن اشاره شد، بعضی می‌دیدند و بعضی نمی‌دیدند.

نهایت این است که در «غیبت صغری» در برخی مواقع که مکان آن حضرت معلوم بوده است؛ غیبت غالباً به صورت غایب شدن جسم و بدن آن حضرت، و بلکه در بعضی حکایات، به صورت غایت شدن مکان و منزل ایشان نیز، بوده است؛ و بسا که حتی بعضی از نواب خاص - رضی الله عنهم - که از مکان آن حضرت مطلع بوده، و می‌دانسته‌اند که آن حضرت کجا تشریف دارند، با وجود این، آن حضرت را در آن مکان رویت نمی‌کردند.

در «غیبت کبری» هم امکان داد که نسبت به اغلب و اکثر مردم، غیبت به همین صورت باشد و در بعضی فرصتها و مناسبات و بعضی از منهن و امکان، نسبت به بعضی از افراد، امکان رویت جسم حاصل باشد، چه آنکه در حال رویت، آن حضرت را بشناسند (که به ندرت اتفاق می‌افتد) یا اینکه بعد از تشریف و سعادت دیدار ملتفت این موضوع شوند، یا اصلاً توجه پیدا نکنند.

اخبار و حکایات معتبر، این تفصیلات را روشن می‌سازد، البته بر حسب بعضی از اخبار، در «موسم»، مانع رویت جسم مرتفع می‌شود، ولی با دیدن جسم ایشان، کسی آن حضرت را نمی‌شناسد.

مطلبی که توجه به آن لازم است این است که: غیبت جسم، بدون اعجاز و خرق عادت واقع نمی‌شود، اما پنهان شدن نام و عنوان و ناشناخته بودن، به طور عادی نیز واقع می‌شود، هر چند در بعضی مواقع، استمرار آن یا جلوگیری از التفات اشخاص به استعلام و طلب معرفت، محتاج به خرق عادت و تصرف در نفوس است که خداوند قادر متعال برای تحقق اراده خود و حفظ ولی امر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تمام اسباب عادی و غیر عادی آن را به توسط خود آن حضرت و یا مستقیماً - هر طور که مصلحت باشد - فراهم می‌سازد.

.....
پی نوشت:

1) و هنگامی که قرآن را قرائت می‌نمائی ما در میان تو و کسانی که ایمان به آخرت نمی‌آورند، پرده پوشیده و پنهانی قرار می‌دهیم. سوره بنی اسرائیل آیه 45.

2) مجمع البیان، روح المعانی، و الدر المنثور.

3) سیره ابن هشام، ج 1، ص 378 و 379، و روایات دیگری از «ابن مردویه»، «بیهقی»، «ابی یعلی»، «ابی نعیم»، «ابی شیبه»، و «دارقطنی»، در الدر المنثور در تفسیر آیه شریفه نقل شده است.

4) سیره ابن هشام، ج 2، ص 95 و 96. طبقات ابن سعد، ج 1، ص 228. کامل ابن اثیر، ج 2، ص 103. و از کتب معاصرین: مع الانبیاء فی القرآن، ص 367.

5) التبیان، الدر المنثور، نور الثقلین. مجمع البیان و تفاسیر دیگر.

چطور می‌توان یک بار هم که شده، موفق به دیدار صاحب الزمان (عج) شویم؟

ارتباط با امام زمان(ع) دو گونه است: مستقیم و غیر مستقیم. ارتباط مستقیم. رؤیت جمال نیکو و مشاهده حسی وجود مبارک حضرت است، که کلید آن در ارتباط غیر مستقیم قرار دارد.

ارتباط غیر مستقیم، مقدمه لازم و جدا ناپذیر ارتباط مستقیم است و تنها نردبانی است که می‌توان با آن از ملک به ملکوت وارد شد و بر آستان آسمان انسانیت قدم گذاشت و از شعاع مهر انگیز خورشید بلندترین آسمان هستی بهره برد. ارتباط غیر مستقیم، ارتباطی علمی، عملی، قلبی و عاطفی است. قرآن می‌گوید:

فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی.(1) از تدبّر و تأمل در آیه فوق شاید بتوانید تا حدودی متوجه گردید که برای دیدار «دلدار» حقیقت پرستان چه چیزی لازم است و برای سفر به کوی «محبوب» چه باید همراه داشت؟

مقرر شد که حضرت موسی(ع) در سرزمین مقدس و از طریق درختی(2) با حق تعالی سخن بگوید و به ملاقات معنوی خدا برود. فرمان رسید: ای موسی! در سرزمین مقدسی گام نهاده ای. سرزمینی که نور الهی بر آن جلوه‌گر است. پیام خدا را در آن جا می‌شنوی (پس) با نهایت خضوع و تواضع در این سرزمین گام گذار و کفش هایت را بیرون آر که در سرزمین مقدس طوی هستی.

به موسای کلیم گفته شد: می‌دانی که در چه مکان و سرزمین مقدسی هستی؟ این جا حضیره قرب خدا و محل حضور و مناجات به درگاه او است. پس شرط ادب به جای آور، کفشت را بکن.(3) با توجه به آن هر که درخواست دیدار با جلوه کمال مطلق و نگاه به نور الهی را دارد. شرایط و شایستگی ویژه ای داشته باشد.. چشم و دل لایق، گوش و زبان محبوب پسند می‌خواهد تا مطلوب محبوب گردی و زیارتش ممکن شود.

آن شرایط و ویژگی‌ها را در کلام خدا با کلیمش می‌توان جست.

1- بازگشت به حق

برای دیدار امامی که مظهر اسم اعظم حق است، ضروری‌ترین و بدیهی‌ترین شرط، بازگشت به «حق تعالی» است: «فاخلع نعلیک» کفش‌های دلبستگی به غیر خدا را از دل در آور و از خود دور کن. پا برهنه یعنی صاف و بی‌آلایش از هر قید و بند و رنگی شو.

فقط رنگ خدایی داشته باش. بازگشت کن به وضعی که به دنیا آمدم، آن موقع که دلی صاف و دور از ریا و غرور و خودخواهی داشتیم و دل مان از غبار گناه‌ها و معصیت

ها و از زنگار غفلت ها پاک بود. تا بتوانید خورشید خدا را در آسمان انسانیت رؤیت نمایید.

پس گام اوّل بازگشت به خدا و توبه از گناهان و تهذیب و پاک کردن نفس از صفات ناپسند است تا زمینه خروج عملی از غفلت را فراهم سازد.

چون عزم بر توبه کردید، غسل کنید و وضو بگیرید و چهار رکعت نماز بخوانید؛ در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه توحید و یک مرتبه سوره ناس و فلق را بخوانید و بعد از نماز هفتاد مرتبه «استغفرالله ربّی و اتوب الیه» بگویید، سپس «لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم» و در پایان بگویید: «یا عزیز یا غفار اغفر لی ذنونی و ذنوب جمیع المؤمنین و المؤمنات فانّه لا یغفر الذنوب الا انت». (4)

2- تقویت معرفت:

آیا می دانید هوای زیارت چه کسی را در سر دارید؟ او را شناخته اید؟ به مقام و منزلتش معرفت پیدا کرده اید؟ کسی را که هوای دیدار دلدار است، باید دلدار شناس گردد. از کمالات و ویژگی هایش، از مقام و منزلتش نزد خدا معرفت لازم را کسب کند و با کرامات و معجزات و سیره و اخلاق و معارف او آشنا شود و دوستانش را بشناسد و توجه داشته باشد که به دیدار چه کسی می خواهد نایل گردد. با معرفت و شناخت، اولاً توبه حقیقی تحقق می یابد، ثانیاً، محبت و دوستی ریشه دار می گردد، زیرا محبت، درجات و مراتبی دارد. (5) برخی تا نه مرتبه برای آن شمرده اند، و عشق را در مرتبه چهارم قرار داده اند. عشق آغاز راه رسیدن به مقصد و سرآغاز جاده ای است که به ملاقات معشوق - امام زمان (ع) - منتهی می شود.

تا علاقه و محبت به امام زمان (عج) به مرحله عشق و ارادت نرسد، دیدار آن یار حاضر و غایب، ممکن نیست. حافظ شیرازی می گوید:

نشوی واقف یک نقطه ز اسرار وجود تا نه سرگشته شوی دایره امکان را
شهید مطهری (ره) در توضیح می فرماید: «این سرگشتگی همان سرگشتگی عشق است، یعنی جنون عشق است. تا از این راه وارد نشوی، امکان ندارد به نقطه ای برسی». (6)

3- عشق به خدا و تبعیت از امام زمان (عج):

اثر طبیعی محبت آن است که «محب» را با «محبوب» پیوند دهد و در مسیر خواسته های او به تلاش و فعالیت پرثمر وا دارد.

آن ها که شب و روز دم از عشق پروردگار یا ائمه اطهار (ع) و امام زمان (عج) می زنند، باید صداقت محبت و عشق خود را در پیروی نشان دهند. در کتاب معانی الاخبار از

امام صادق(ع) نقل شده: «ما احبّ الله من عصاه؛ کسی که گناه و نافرمانی خدا می کند، خدا را دوست ندارد».

دوستی و محبت در عمل ظهور می کند. سپس فرمود: «چه شگفت انگیز است معصیت پروردگار کنی، با این حال اظهار محبت او نمایی! به جان خودم سوگند، این کار عجیبی است! اگر محبت تو صادقانه بود، اطاعت فرمان او می کردی، زیرا کسی که دیگری را دوست می دارد. از فرمان او پیروی می کند».(7) قرآن کریم می فرماید: «قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله...»(8) پیامبر! بگو (به مردم) اگر خدا را دوست دارید، از من (پیامبر) پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته باشد». بنابراین محبت تنها یک علاقه قلبی نیست، بلکه باید آثار آن در عمل انسان منعکس باشد.

کسی که می خواهد امام زمان(ع) را زیارت کند باید بررسی نماید چه اموری باعث خشنودی حضرت می گردد، تا به آن کار مبادرت ورزد و از هر کاری که موجبات ناخشنودی آن عزیز را فراهم می سازد، اجتناب کند.

4- تقویت ارتباط قلبی و عاطفی

می توان ارتباط قلبی و عاطفی با آن محبوب و معشوق عشاق حقیقت طلب را از راه های ذیل تقویت نمود:

از طریق خواندن برخی دعاها و زیارت ها و توجه و تأمل در معانی آن ها، نیز خواندن بعضی از نمازها مانند نماز امام زمان(ع) یا حضور در برخی از مکان ها مانند مسجد سهله در کوفه و مسجد جمکران در قم، نایب الزیاره آن حضرت شدن در زیارت خانه خدا (حج و عمره) و زیارت قبور و حرم پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) و نیز شریک کردن حضرت در ثواب تلاوت قرآن، و دعاها و نمازهای مستحبی، بلکه همه ثواب را به حضرت هدیه نمودن، و در حق حضرت دعا کردن و دعای فرج خواندن.

5- مطالعه زندگینامه کسانی که به ملاقات آن حضرت مشرف شدند.

مطالعه زندگینامه اشخاصی که توانستند به زیارت آن حضرت نایل گردند، هم راه را نشان می دهد، هم شوق ملاقات را افزایش می دهد و آتش عشق و ارادت را شعله ور می سازد و هم این حقیقت را بازگو می کنند که آنان، چه ویژگی هایی داشتند و چه عاملی موجب شد تا امام(ع) آنان را مورد عنایت و لطف خود قرار دهند.

1. طه (20) آیه 12.
2. قصص (28) آیه 30.
3. علامه محمد حسین طباطبایی، المیزان (مترجم) ج 14، ص 191.
4. میرزا جواد ملکی تبریزی، رساله لقاءالله، به نقل از توبه انقلابی درونی علیه خویش، چ سپاه، ص 63.
5. تفسیر نمونه، ج 9، ص 393، به نقل از تفسیر روح المعانی، ج 12، ص 203.
6. عرفان حافظ، تماشا گه راز، ص 143.
7. تفسیر نمونه، ج 2، ص 386.
8. آل عمران (3) آیه 31.

هدف امام زمان از قیام و ظهور چیست؟

امام زمان(ع) در هنگام ظهور سیاست‌های مهم را ارائه می‌دهد که جهت رعایت اختصار به برخی از آنها اشاره می‌کنم:

- 1 - تشکیل حکومت جهانی.

یکی از استراتژی‌های مهم امام(ع) تشکیل حکومت جهانی این است که در آن سعادت دنیا و آخرت بشر تأمین می‌شود. مورخان و سیره نگاران باور دارند که بعد از فراگیری ستم حکومت‌های حاکم بر جهان، مردم آماده پذیرش حکومت عدالت‌گرا می‌شوند، گر چه برخی با تشکیل حکومت امام زمان(ع) مخالفت می‌کنند؛ ولی اکثر مردم آماده حکومت امام(ع) می‌شوند.
- 2 - بیعت گرفتن.

برای تشکیل حکومت جهانی و قانونی، نیاز به پایگاه مردمی است، از این رو امام زمان(ع) از مردم بیعت می‌گیرند:

«مهدی(ع) سپاهیان خود را جهت گرفتن بیعت به اطراف جهان خواهد فرستاد. مردمان ظالم و ستمگر از بین خواهند رفت و اهل شهرها از برای مهدی تسلیم خواهند شد.»(1)

البته برخی مردم با حکومت جهانی امام زمان(ع) مخالفت کرده و بیعت نمی‌کنند، ولی امام با قاطعیت با آنان برخورد می‌کند.
- 3 - مبارزه با دجال.

در برخی از روایات تصریح شده است که امام(ع) در هنگام ظهور با دجال می‌جنگند. در این که دجال چیست و حضرت چگونه با او جنگ می‌کند، اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی یکی از سیاست‌های امام زمان(ع) مبارزه با دجال است. در کتاب الفتن از زهری آمده است: «إذا التقى السفیانی و المهدی(ع) القتال یومئذ یسمعون من السماء صوتاً ألا إن أولیاء الله من اصحاب فلان یعنی المهدی(ع)». (2)

4 - آموزش و تعلیم قرآن.

واقعیت آن است که مسلمانان از معارف بلند قرآن فاصله گرفته‌اند که در قرآن از آن به عنوان مهجوریت قرآن یاد شده است. (3) یکی از برنامه‌های امام زمان(ع) در هنگام ظهور، آموزش قرآن است، تا هم قرآن از مهجوریت رهایی یافته و هم مردم با معارف بلند آن آشنا شوند. امام باقر(ع) فرمود:

«هرگاه قائم آل محمد(ص) قیام کند، خیمه‌هایی نصب می‌کند برای کسانی که قرآن را همان طور که نازل شده، به مردم تعلیم دهند». (4)

5 - مبارزه با خرافات و بدعت زدایی.

یکی از برنامه‌های مهم امام زمان(ع) مبارزه با خرافات و بدعت‌ها است. این سیاست از آن جا نشأت می‌گیرد که قبل از ظهور امام(ع) دینی جدید تلقی می‌شود؛ از این رو برخی تصور می‌کنند امام دین جدید آورده است. امام باقر(ع) فرمود: «آن چه از آثار بدعت و گمراهی قبل از وی بوده است، منهدم می‌کند چنان که پیغمبر(ص) اساس جاهلیت را منهدم کرد. آن گاه از نو اسلام را از سر می‌گیرد». (5)

6 - اجرای قوانین اسلام و حاکمیت دین بر جهان.

یکی از برنامه‌های مهم امام(ع) اجرای قوانین اسلام و حاکمیت دین بر جهان است. در قرآن تصریح شده است: «لیظهره علی الدین کلّه و لو کره المشرکون». (6) مفسران و پژوهشگران قرآنی این آیه را در خصوص حاکمیت اسلام در زمان ظهور امام زمان(ع) دانسته‌اند، زیرا هنوز اسلام حاکمیت بر تمام جهان نداشته است.

عیاشی در تفسیر خود از رفاعه بن موسی نقل کرده: از حضرت صادق(ع) شنیدم که در تفسیر آیه: «و له أسلم من فی السموات و الارض طوعاً و کرهاً» فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کرد، جایی روی زمین باقی نمی‌ماند، مگر این که در آن جا صدای «أشهد ان لا اله الا الله و أشهد ان محمدا رسول الله» بلند شود». (7)

7 - گسترش عدالت و از بین بردن فساد.

یکی از ویژگی‌های حکومت امام(ع) گسترش عدالت و از بین بردن ناهنجاری‌ها و فساد

است.

پیامبر اسلام(ص) فرمود: «فیملأ الارض عدلا و قسطا کما ملئت جوراً و ظلماً»؛ (8) امام زمان(ع) زمین را پر از عدل و داد کند، چنان که پر از جور و ستم شده باشد». امام زمان(ع) برنامه‌های دیگری مانند برخورد با دشمنان دین و آبادانی شهرها و روستاها دارد.

پی نوشت ها:

- 1 - محمد جواد نجفی، ستارگان درخشان، ج 14، ص 65.
- 2 - صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص 1121.
- 3 - فرقان، آیه 30.
- 4 - مهدی موعود(ع)، ص 1121.
- 5 - مهدی موعود(ع)، ص 1123.
- 6 - صف (61) آیه 9
- 7 - مهدی موعود(ع)، ص 1121 - 1122.
- 8 - همان، ص 1125.

یاران امام زمان(عج) چند نفر هستند؟

در مورد تعداد یاران حضرت مهدی(عج):

در روایات متعدد تعداد یاران حضرت مهدی(عج) سیصد و سیزده تن بیان شده

است.(1)

در برخی از احادیث تعداد یاران حضرت مهدی(عج) و کسانی که با حضرت بیعت می

کنند، پنج هزار تن ذکر شده است.(2)

در برخی روایات تعداد یاران حضرت مهدی(عج) ده هزار نفر یاد شده و آمده است تا

این تعداد گرد نیابند، قیام صورت نمی گیرد.(3)

در حدیثی آمده است: مهدی(عج) میان دوازده تا پانزده هزار یاور قیام خواهد کرد.(4)

در روایتی است که یاران حضرت مهدی(عج) توده های انبوهی است که از نقاط

گوناگون جهان به ویژه مشرق زمین به کمک امام می شتابند.(5) حال در جمع بندی

این روایات می گوئیم:

سیصد و سیزده یاور حضرت نخستین گروندگان هستند که در انتظار ظهور موعود در مکه گرد می آیند. با گرد آمدن این گروه، دعوت آغاز می شود. پس از انتشار خبر و گزارش آن به ترتیب پنج هزار نفر گرد حضرت جمع می شوند و با ایشان بیعت می کنند، سپس این گروه به ده هزار تن می رسند، و مدام فزونی می یابند. وقتی که ده هزار تکمیل شد، قیام صورت می گیرد، بعد گروه دیگری به یاران حضرت می پیوندند. این گروه به دوازده تا پانزده هزار تن می رسد، و مدام افزایش پیدا می کند. در ادامه نهضت توده های عظیمی از سراسر جهان به حضرت می پیوندند درگیری بزرگ و خونبار با مستکبران شروع می شود. با این توصیف سیصد و سیزده ممکن است تعداد یارانی باشد که حضرت به کمک آنان حرکت را آغاز می کند.

احتمال دیگر این است که این گروه، فرماندهان و وزیران امام باشند که در آغاز هسته اصلی نیروها هستند و پس از پیروزی برای ارشاد و دادرسی و کارگزاری و مدیریت به سرزمین های دور و نزدیک فرستاد می شوند.

پی نوشت ها:

1. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 672.
2. الحادی للفتاوی، ج 2، ص 153.
3. نعمانی، الغیبه، ص 307.
4. سید بن طاووس، الملاحم و الفتن، ص 65.
5. مجلسی، بحارالانوار، ج 60، ص 3

حسن امان اللهی

1387

منبع: <http://www.porsojoo.com>